

کاوشی در بسترهای خانوادگی و نقش آن در بازتولید پدیده کودکان کار خیابانی در شهر اهواز

حسین ملتفت*، عزیز حزبای،** محمدحسین مقدم***

کدارکید: 0000-0003-1761-8600

کدارکید: 0000-0002-9234-0293

کدارکید: 0000-0001-6935-5203

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، کاوش در بسترهای خانوادگی و نقش آن در بازتولید پدیده کودکان کار خیابانی در شهر اهواز است. سوالات محوری عبارتند از: (۱) وضعیت اقتصادی و معیشتی والدین کودکان کار خیابانی در شهر اهواز چگونه است؟ (۲) کودکان در مواجهه با این وضعیت اقتصادی و معیشتی چه راهبردهایی را در پیش می‌گیرند؟ (۳) تفاسیر والدین از کار کودکان خود در خیابان چیست؟ (۴) پیامدهای پدیده کودکان کار خیابانی در شهر اهواز کدامند؟ برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق از رویکرد تفسیری و روش گراند تئوری استفاده شده است. ابتدا از طریق نمونه‌گیری هدفمند و سپس نمونه‌گیری نظری با ۱۱ نفر از کودکان کار خیابانی، مصاحبه عمیق صورت گرفت. همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل انجام پذیرفت. یافته‌ها شامل: ۱۰ خرده مقوله؛ ۴ مقوله اصلی و مقوله هسته، تحت عنوان کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده، می‌باشند. نتایج این پژوهش نشان داد که به دلیل ضعف بنیة اقتصادی خانواده از یک سو و تجربه اتفاقات ناگوار؛ مانند فوت، از کارافتادگی و ضعف جسمی سرپرست خانواده، از نظر اقتصادی و معیشتی خانواده در حالت نامطلوبی است. در چنین حالتی کودکان سرپرستی اقتصادی خانواده را برعهده می‌گیرند و خانواده به کودک تکیه اقتصادی می‌کند. والدین، کار کودکان را به مثابه بلوغ، رشد و بزرگی می‌دانند. پیامدهای چنین پدیده‌ای از عقب افتادگی تحصیلی، ترک تحصیل تا سوء استفاده از کودکان در انتقال اشیاء و مواد توسط افراد ناشناس و پیشنهادهای ضد امنیتی به کودک می‌باشد.

کلید واژه‌ها: بسترهای خانوادگی، کودکان کار خیابانی، گراند تئوری، بازتولید، شهر اهواز.

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

Email: moltafet_h@scu.ac.ir

** مربی گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Email: a.hazbavi@scu.ac.ir

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

Email: mohammadhoseyn.moghadam@gmail.com

پژوهش - معاونت برنامه ریزی و توسعه انجام پذیرفته است
این مقاله برگرفته از پایان‌نامه تقاضا محوری است که با حمایت مالی شهرداری اهواز (مدیریت مطالعات و پژوهش - معاونت برنامه ریزی و توسعه) انجام پذیرفته است

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۸۱-۴۰۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسائل اجتماعی در جهان امروز به دلیل تأثیرپذیری از جهان مدرن و پیشرفت و تکنولوژی و بروز نیازهای جدید به شدت ابعاد مختلف زندگی افراد و جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. این مسائل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از تحولات سریع جوامع انسانی از موضوع‌های مهمی هستند که همواره، ذهن جامعه‌شناسان و اندیشمندان را به خود مشغول داشته‌اند. تحولات اجتماعی شتابان همچون رشد سریع جمعیت، رشد سریع صنعتی شدن، جابه‌جایی توده‌های سریع انسان‌ها و مهاجرت به شهرهای بزرگ و حاشیه‌نشینی اطراف کلانشهرها، افزایش نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی در کلانشهرها، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده، فروپاشی الگوها و هنجارهای سنتی رفتار و افزایش تنش‌های اجتماعی، پیامدهای اجتماعی ناگوار را در زندگی شهری جوامع رقم زده‌اند. یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در جوامع امروزی کودکان و نوجوانان هستند (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۸).

امروزه، یکی از این آسیب‌های اجتماعی، پدیده کودکان کار خیابانی است. کار کودکان، مشکلی جهانی است و پیشینه مطالعاتی وسیعی دارد. اگرچه بر اساس آمارهای سازمان بین‌المللی کار، از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون، تعداد کودکانی که در جهان کار می‌کنند، به دو سوم کاهش یافته است، هنوز رقمی در حدود ۱۶۸ میلیون کودک را شامل می‌شود که ۸۵ میلیون نفر آنها به کارهای مخاطره‌آمیز اشتغال دارند (سازمان بین‌المللی کار آپیک، ۲۰۱۳) پس از کار در بخش کشاورزی که در حدود ۶۰ درصد اشتغال کودکان را شامل می‌شود، بخش مهمی از کودکان (۲۵/۴ درصد) در فعالیتهای خدماتی مشغول به کار هستند که کار در خیابان نیز در همین گروه طبقه‌بندی می‌شود. کار کودکان در خیابان، در پایتخت‌ها و بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه، مشکلی جدی است، اما برآورد دقیق از تعداد کودکان خیابانی دشوار است. تفاوت در تعریف و طبقه‌بندی کودکانی که در خیابان به سر می‌برند و تمایل به بزرگنمایی در تعداد آنها به منظور جلب حمایت‌های سازمانی، به آمارهای بسیار متفاوت منجر شده است (توماس دو بنیتز، ۲۰۱۳، به نقل از وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). بر اساس ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک (سازمان یونسف) کودک کسی است که دارای سنی کمتر از ۱۸ سال باشد (پیمان‌نامه حقوق کودک، ۱۹۸۹ به نقل از شالچی، میرزابابایی، ۱۳۹۴: ۲۰۳). این تعریف از شایع‌ترین تعاریف و طبقه‌بندی‌های کودکان خیابانی، است و آنان را به دو گروه تقسیم می‌کند:

¹ .Thomas De Benitez

² . Uicef

الف) کودکان در خیابان: این گروه کودکان شاغل در خیابان هستند. این کودکان از خانواده‌های کم درآمد و پر جمعیت آمده‌اند و علت بودن آنان در خیابان، کسب درآمد است. در این گروه، احساس تعلق به خانواده وجود دارد؛ اما میزان این ارتباط متفاوت می‌باشد و ممکن است، چند بار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می‌روند و هرچند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکل‌هایی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند؛ اما به طور کلی، رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دارند.

ب) کودکان خیابان: این گروه از کودکان هرچند، قشر کوچکتري از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند؛ اما مشکل آنان نسبت به گروه اول، بسیار پیچیده‌تر است. برای آنها خیابان به منزلهٔ خانه می‌باشد، در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را پیدا کرده‌اند. این کودکان با مدرسه بیگانه‌اند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزار جسمی و جنسی شوند (محمدی، ۱۳۹۴: ۶۳).

آنچه که در این مطالعه به عنوان مسئلهٔ اجتماعی مطرح است با تعریف گروه اول، یونیسف از کودکان خیابانی منطبق و هماهنگ می‌باشد.

پژوهش‌های بسیاری در کشورهای جهان، وضعیت کودکان خیابانی، مشاغل آنها، عوامل منجر به خیابانی شدن کودکان و پیامدهای خیابانی شدن بر کودکان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان خیابانی، به دلیل شرایط کار و زندگی در خیابان، در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت جسمی، روانی، جنسی، خطرهای اجتماعی قرار دارند. (توماس دو بنیتز، ۲۰۰۷؛ واتهایو^۱ و همکاران، ۲۰۱۱؛ آپتکار^۲؛ ۱۹۹۴؛ ری^۳ و همکاران، ۲۰۱۱؛ یونیسف، ۲۰۰۵ به نقل از وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). آمار دقیقی از کودکان خیابانی در ایران وجود ندارد و تمام آمارهای موجود تخمینی است و این تخمین‌ها بین ۳ تا ۷ میلیون نفر است که حدود یک میلیون آن ثبت شده است. در رابطه با استان خوزستان نیز آمارهای متفاوتی ارائه شده است که در آخرین آمارهای ارائه شده توسط بهزیستی استان خوزستان به شکل زیر بوده است. معاون امور اجتماعی ادارهٔ کل بهزیستی استان خوزستان آماری را از طریق خبرگزاری ایسنا در ۱۳۹۷ منتشر کرد که از این قرار است: تعداد ۵۲۰ کودک کار خیابانی در سطح خوزستان شناسایی شده‌اند که از این رقم نزدیک به ۳۰۰ نفر در اهواز ساکن و شاغل هستند که اکثراً پسر و تعداد بسیار اندکی هم دختر هستند. (معاونت امور اجتماعی اداره کل بهزیستی

1 .Withayu

2 .Atekar

3 .Rey

استان خوزستان به نقل از خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۷). ضرورت توجه به پدیده کودکان کار خیابانی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف: آسیب‌پذیری کودکان در برابر شرایط نامطلوب تغذیه، بهداشت و انجام کارهای حاد و خطرناک؛

ب: تأثیرات اقتصادی- اجتماعی که موجب افزایش سود انباشت سرمایه، برای کسانی که کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند؛ می‌شود و در نتیجه، فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می‌کند و فقر و تنگدستی را افزایش می‌دهند. بی‌بهره بودن از دانش و مهارت موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار کودکان می‌شود و اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر کودکان سلامت اجتماعی آنها را به مخاطره می‌اندازد (مقدس جعفری، ۱۳۹۲: ۵۸).

ج: کودکان نیروی محرک اقتصاد جامعه در آینده هستند. هر نوع آسیب، بحران و خطر که زیست طبیعی کودکان را تهدید کند، آینده یک جامعه را تهدید خواهد کرد.

حضور روز افزون کودکان کار خیابانی در سطح شهر اهواز و حاشیه‌های آن شرایط پرچالشی را ایجاد کرده است. به طوری که این پدیده جزو اولویت‌های پژوهشی نهادهای متولی در سطح استان و شهر اهواز شده است. از این رو، هدف مطالعه حاضر کاوش در بسترهای خانوادگی و نقش آن در بازتولید پدیده کودکان کار خیابانی در شهر اهواز است و سؤالات محوری به قرار زیر است:

۱. وضعیت اقتصادی و معیشتی والدین کودکان کار خیابانی در شهر اهواز چگونه است؟
۲. کودکان در مواجهه با این وضعیت اقتصادی و معیشتی چه استراتژی‌هایی در پیش می‌گیرند؟
۳. والدین چه تفسیری از کار کودکان خود در خیابان دارند؟
۴. پیامدهای پدیده کودکان کار خیابانی در شهر اهواز کدامند؟

۲. مبانی نظری

در مطالعات کیفی به جای استفاده از مبانی نظری، از چارچوب مفهومی (حساسیت نظری) استفاده می‌شود. چهارچوب مفهومی در روش گراند تئوری شامل مفاهیمی می‌شود که قصد داریم در مطالعه جستجو کنیم و ارتباطاتی که انتظار داریم (مبتنی بر ادبیات پژوهش) بین این مفاهیم وجود داشته باشد. این چهارچوب، پاسخ‌ها را نشان نمی‌دهد بلکه فقط مفاهیمی را در بر می‌گیرد که پژوهش و جمع‌آوری داده را هدایت می‌کند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). بنابراین،

^۱ . Grounded Theory

صرفاً جهت ارتقای حساسیت نظری و نه نظریه آزمایی، از نظریه‌های موجود بهره گرفته شده است به برخی از این نظریه‌ها در زیر اشاره شده است.

کنش متقابل نمادی: رهیافت کنش متقابل نمادی در تبیین پدیده کودکان خیابانی تا حدودی می‌تواند راهگشا باشد. این رهیافت و نظریات متأثر از آن برای فهم چگونگی شکل‌گیری تصاویر خاص درباره کودکان خیابانی و علل و انگیزه شکل‌گیری این تصاویر و منافع و علایق پشت این تصاویر مفید هستند. فرضی که از این رهیافت بر می‌آید این است که کودکان خیابانی و خانواده‌های آنها از کار خود در خیابان چه برداشتی دارند و چه منافع و علایقی حضور آنها در خیابان را استمرار می‌بخشد (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

نظریه اثرات متعامل: اصطلاح اثرات متعامل، می‌تواند در مورد تعدادی از نظریه‌ها که برای دستیابی به تجزیه و تحلیل جزئیات خانواده، مورد استفاده می‌باشد، به کار برده شود. در این نظریه توجه کلی به راه‌هایی است که ارتباط افراد خانواده را با یکدیگر و با سایر افراد به صورت نظام پویای اثرات تعامل هدایت می‌کند (سیف، ۱۳۶۸: ۳۶).

(۱) نوع اول، به تأثیرات متعامل از طریق اعمال قدرت مربوط است. در این روش، اعمال قدرت به سه صورت مختلف صورت می‌گیرد. در ترکیب افقی قدرت به صورت متقارن و به طور مناسب اعمال می‌شود. در ترکیب عمودی قدرت شبیه به جداول سازمانی نیروهای مسلح است، در ترکیب دو ردیفی این امر همبستگی داخلی را به وجود می‌آورد، ولی قدرت بین نسل‌ها متفاوت است.

(۲) نوع دوم، اثرات متعامل از طریق رابطه و گفتگو است به این ترتیب که اثرات متعامل به سه صورت کانال ارتباطی، چرخشی و فاصله‌ای برقرار می‌شود.

در فرم ارتباط همه جانبه هر یک از اعضای خانواده از طریق این کانال با یکدیگر ارتباط دارند. در فرم چرخشی یک نفر از اعضای خانواده به طور واسطه ارتباط بین افراد را برقرار می‌سازد و معمولاً مادر این نقش را بر عهده می‌گیرد و بالأخره فرم فاصله‌ای نشان می‌دهد که در اثرات متعامل افراد خانواده شکافی وجود دارد.

(۳) نوع سوم، اثرات متعامل از طریق ابراز محبت در بین افراد خانواده است. در بعضی خانواده‌ها به علت جدایی همسران یا طلاق علاقمندی و محبت در اثرات متعامل بین افراد رو به کاهش گذارده و روابط بین والدین و فرزندان دچار تضاد است. رویدادها در دوره‌های مختلف زندگی نحوه ابراز محبت و علاقه را تغییر می‌دهند. در زمان‌های مختلف مانند ابتدای کودکی یا اوایل ازدواج یا پس از بچه‌دار شدن، شیوه محبت کردن متفاوت است. با توجه به روابط مذکور پدر، مادر و فرزندان هر یک در این اشکال تعاملی نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. بنابراین، با غیبت یک فرد از افراد این گروه کوچک یا به دلیل وجود اختلال در خانواده، تعاملات ذکر شده

شکل دیگری به خود می‌گیرد و از حالت طبیعی خارج می‌گردد. برای کودکانی که به حدی دچار مشکلات اجتماعی می‌باشند که راه دوری موقتی یا دائم از خانواده را انتخاب می‌نمایند یا اینکه این راه به آنان تحمیل می‌شود و در پی دوری از خانواده جهت تأمین معاش خود به کار در خیابان و یا بازارها و... می‌پردازند، از این‌رو فرزندان این قبیل خانواده‌ها به هیچ عنوان نمی‌توانند از تعاملاتی مطلوب و بسنده، برخوردار باشند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

پیشینه تجربی

در این قسمت به چند تحقیق که به مسئله کودکان خیابانی و کار در ایران و جهان پرداخته‌اند اشاره خواهد شد.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان "ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی کودکان خیابانی کرمانشاه و عوامل مرتبط با خیابانی شدن آنها" نشان داد که ۹۲ درصد این کودکان پسر هستند و اغلب نزد خانواده و بستگان زندگی می‌کنند، حدود نیمی از والدین این کودکان طلاق گرفتند (۲۸ درصد)، پدران این کودکان اکثراً بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، برخی از این کودکان بدون سرپرست (فوت پدر) بودند و حدود ۷۸ درصد والدین این کودکان بی‌کار و ۷۰ درصد مبتلا به اعتیاد هستند. ۶۰ درصد این کودکان تحصیل نمی‌کنند و ۸۶ درصد به دست فروشی مشغول هستند. مهمترین علت کار کردن کودکان، کمک به معیشت خانواده در حدود ۷۰ درصد بوده است.

حزبای و ملتفت (۱۳۹۶) در یک طرح پژوهشی تحت عنوان "بررسی ویژگی‌ها و زمینه‌های اجتماعی اقتصادی پدیده کودکان خیابانی و کار در شهر اهواز" دریافتند که کار کودک ابزار خودکوفایی، نتیجه محرومیت نسبی و به صورت کلی در خدمت کمک به نابسامانی‌های خانواده، بوده است.

زند رضوی و رحیمی پور انارکی (۱۳۹۱) در کتاب خود تحت عنوان جامعه‌شناسی و کار کودکان به بررسی کار کودکان با رویکرد جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌پردازد و این موضوع را در سه سطح زیر تحلیل می‌کنند:

۱. در سطح جهانی و در بعد اقتصادی، نظام سرمایه‌داری جهانی گرایش به انباشت سرمایه و استفاده از نیروی مزد بگیر جهت تثبیت و گسترش موقعیت خود دارد.
۲. در سطح ملی ادغام نظام سرمایه‌داری جهانی در بافت فرهنگی اجتماعی اقتصادی بومی کشورهای در حال توسعه، نوعی عدم توازن در بخش‌های مختلف جامعه ایجاد می‌کند که از جمله پیامدهای آنها مهاجرت از روستا به شهر، گسترش بخش خدمات و نیروی کار کاذب و پنهان می‌باشد.

۳. در سطح محلی خانواده‌های بی‌بضاعت، افشار روستایی یا حاشیه‌نشین که صرفاً نیروی کار یدی را در اختیار دارند، مجبور به در اختیار گذاشتن نیروی کار خود در خدمت شرایط موجود و تطبیق خود با آن هستند.

براین مبنا باید گفت پدیده کودکان کار خیابانی از یک سو متأثر از شرایط جهانی و نظام سرمایه‌داری و از یک سو معلول ساختار نامناسب کشورهای خود می‌باشد.

علاوه بر تحقیقاتی که در بالا به آنها اشاره شد تحقیقات دیگری نیز در کشور انجام شده که به چند مورد از آنها که در چند سال اخیر منتشر شده‌اند به صورت تیتروار اشاره می‌شود.

ایمان‌زاده و علیپور (۱۳۹۸) (تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی، مطالعه‌ای به روش پدیدارشناختی)، قهرمانی و همکاران (۱۳۹۸) (عوامل تأثیرگذار بر کار کودکان در ایران: یک مطالعه منظم) و آقاپور فرکوش و همکاران (۱۳۹۴) (ارائه مدل تبیین جامعه‌شناختی کودکان خیابان شهر تهران در سال ۱۳۹۴) در تحقیقات خود به بررسی موضوع کودکان کار و خیابانی پرداخته‌اند.

ناز و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان "عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کار کودکان در پاکستان" نشان دادند که کار کودکان در آن شهر نتیجه عوامل مختلفی از جمله، جمعیت زیاد و ساختار خانواده، طلاق والدین، تنش‌های خانوادگی و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی می‌باشد.

اریکسن و مولاگتا^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی شبکه‌های اجتماعی کودکان کار در آدیس بابا پرداخته‌اند. تحقیق آنها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی نقش تأثیرگذار و مهمی بر زندگی این کودکان دارند.

بررسی تحقیقات تجربی انجام شده، نشان می‌دهد با توجه به ماهیت موضوع و عدم وجود آمارهای رسمی در کشور همه محققین و نویسندگانی که در این زمینه، تحقیق می‌کنند بخش یا بخش‌هایی از پدیده کودکان خیابانی را مورد بررسی قرار داده‌اند، در این تحقیق با توجه به عدم دسترسی و جمع‌آوری داده‌ها از تعداد زیادی از کودکان کار خیابانی و همچنین واکاوی فرایند شکل‌گیری این پدیده در شهر اهواز از روش کیفی استفاده شده است، با توجه به شرایط آب و هوایی استان خوزستان و شهر اهواز و شرایط سنی کودکان، کار کردن در چنین وضعیتی بسیار سخت و طاقت فرسا است و این مسئله، مطرح می‌شود که باید دلایل بسیار قوی برای مجبور کردن کودکان، جهت حضور در خیابان‌ها باشد، همین امر و اهمیت آن باعث شد؛ در شهر اهواز علیرغم انجام تحقیقات، در سایر استان‌ها این تحقیق انجام شود و نکته دیگر تفاوت

1. Niz

2. Eriksen And Mulageta.

این تحقیق با سایر تحقیقات است به طوری که دوباره، به تفاوت فرهنگ و شرایط خوزستان بر می‌گردد و همانطور که در ادامه در بین مشارکت‌کننده‌ها دیده می‌شود؛ همه مشارکت‌کننده‌ها پسر هستند و بطور کلی تعداد دختران در این زمینه، بسیار اندک می‌باشد و در زمان مصاحبه محققین به آنها دسترسی نداشته‌اند.

۳. روش تحقیق

این مطالعه از حیث پارادایم، تفسیری، از نظر ماهیت، کیفی و از لحاظ روش مبتنی بر روش گراند تئوری است. با توجه به هدف مطالعه که کاوشی در زمینه خانوادگی تولید کودکان کار خیابانی است و معمولاً این مسئله در یک فرایند اجتماعی و تحت تأثیر عوامل متعدد شکل می‌گیرد از روش کیفی و به خصوص نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد استروس و کربین^۱ صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه کلیه کودکانی است که در سطح شهر اهواز و حاشیه‌های آن، مشغول کارهایی از قبیل: فال‌فروشی، وزن‌کشی، واکس زدن، فروش آدامس، جوراب فروشی، پاک کردن شیشه خودروها بودند و یا به طور کلی در خیابان کار می‌کردند، است. شیوه نمونه‌گیری در این مطالعه، غیر تصادفی و به صورت هدفمند بوده و با توجه به اینکه امکان مصاحبه و گفتگو با مشارکت‌کنندگان در خیابان وجود نداشت ناچار کودکانی که در مراکز شهرداری و بهزیستی نگهداری می‌شدند با هماهنگی مسئولین ذی ربط مورد مصاحبه قرار گرفتند.

براساس روش نمونه‌گیری گلوله برفی از طریق مشارکت‌کننده اولیه، مشخصات افراد دیگر هم بدست می‌آمد. تعداد مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۱ کودک کار خیابانی هستند (خصوصیات مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است). با توجه به مصاحبه‌های عمیقی که انجام شده تقریباً بعد از ۹ مصاحبه داده‌ها تکراری شدند و داده جدیدی به دست نیامد. برای تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. در اعتبار سنجی پژوهش نیز از دو روش، ممیزی توسط متخصصان و مراجعه به داده‌های خام و ارزیابی مجدد کدگذاری‌ها استفاده شد. از مهمترین نکات اخلاقی در این پژوهش، موافقت تمام مشارکت‌کننده‌ها برای همکاری و مصاحبه بود به طوری که با بعضی از مشارکت‌کننده‌ها بیش از یک جلسه، مصاحبه شد همچنین سعی شد در یک فضای مناسب و خصوصی با مشارکت‌کننده‌ها مصاحبه شود.

^۱. Straus and Corbin.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل پدر	علت کار	نوع کار
۱	محمد علی	۱۵	دهم	آزاد (از کارافتاده)	نیاز مالی خانوادگی	لواشک فروشی
۲	احمد	۱۶	دهم	آزاد-فوت شده	نیاز مالی خانوادگی	گل فروشی
۳	سجاد	۱۳	هشتم	بیکار-فوت شده	نیاز شخصی و خانوادگی	دستمال کاغذی فروشی
۴	رضا	۱۳	هشتم	ایزوگام کار	نیاز مالی خانوادگی	آدامس فروشی
۵	امید	۱۶	نهم	بیکار-دچار اعتیاد	نیاز مالی خانوادگی	بادکنک فروشی
۶	علی	۱۶	هشتم	آزاد	نیاز شخصی و خانوادگی	شیشه پاک کن
۷	رسول	۱۶	هشتم	آزاد	نیاز شخصی و خانوادگی	آدامس فروشی
۸	محمد	۱۵	هفتم	آزاد-از کارافتاده	نیاز شخصی و خانوادگی	اسفند دود کردن
۹	جواد	۱۳	هفتم	آزاد	تفریح- نیاز شخصی	یخمک فروشی
۱۰	سعید	۱۴	نهم	بیکار-دچار اعتیاد	نیاز مالی خانوادگی	اسفند دود کردن
۱۱	مصطفی	۱۳	هفتم	بیکار	نیاز شخصی و خانوادگی	شیشه پاک کن

۸. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها شامل ۱۰ مقوله فرعی، ۴ مقوله اصلی و مقوله هسته پژوهش هستند. جدول ۲ نشان دهنده مفاهیم اصلی، مقولات فرعی، اصلی و هسته پژوهش و نقش آنها در مدل پارادایمی است.

جدول ۲: خروجی مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی

مقوله هسته	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اصلی	نقش در مدل پارادایمی
کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده	فقر اقتصادی خانواده	ضعف بنیه اقتصادی خانواده	عدم تمکن مالی جهت تامین مایحتاج خانواده	شرایط علی
		تقویت چرخ دنده های فقر	فوت، ازکارافتادگی و ضعف جسمی سرپرست خانواده	شرایط زمینه-ای
بستر فرهنگی خانواده کودک		نابسامانی های فرهنگی	مدیریت ضعیف خانواده	شرایط علی
		گسست پیوندهای عاطفی درون خانوادگی	بی توجهی به عواطف، سرگوب عواطف کودکان، خشونت	شرایط زمینه-ای
عوامل تسهیل کننده کار کودک در خیابان		فضای القاء و اغوا کننده محیطی	سکونت در مناطق جرم خیز	شرایط مداخله ای
			ضعف حمایتی نهادهای متولی	شرایط مداخله ای
		نارسائی عملکردی نهادهای متولی	متولی	ای

راهنبرد تحصیلی کار به کودک و پیامدهای	تکیه ی اقتصادی خانواده به کودک	قبول مسئولیت سرپرستی خانواده، اعلام آمادگی انجام کار	راهبرد
	ریزش تحصیلاتی	عقب افتادگی و ترک تحصیل	پیامد
	تبعات جانی و مالی کار کودک در خیابان (ناامنی های جانی و مالی)	سوء استفاده از کودکان در خیابان، تطمیع کودکان	پیامد
	تنش های امنیتی کودکان کار خیابانی با ماموران نهادهای متولی	درگیری با ماموران نهادهای متولی	پیامد

مقوله اصلی اول: فقر اقتصادی خانواده

اکثر مشارکت کنندگان از وضعیت نامناسب اقتصادی رنج می بردند در همین راستا یکی از مشارکت کنندگان به نام محمد علی می گوید:

«اولین روز عید نوروز سال ۹۳ بود که پدرم مریض شد و کارش هم آزاد بود و دکتر گفته بود که دیگه کار نکنه و بیمه و پول و حقوق هم نداشت، من باید چکار می کردم من هم باید کار می کردم چون نیاز بود هم باید مدرسه می رفتم و پول مدرسه را می دادم. خب حالا من اگر کار نمی کردم از کجا پول می آوردم».

یکی دیگر از مشارکت کنندگان به نام احمد که پدرش فوت کرده می گوید:

«من بعد از فوت پدرم کار کردم. اولین بار یادم می آید برای مدرسه بود؛ چون، مدرسه از ما پول می خواست و من نداشتم پدرم هم فوت کرده بود ما هم هیچ پس اندازی یا حقوقی نداشتم؛ حتی، کوچکترین حقوقی که بتوانیم از آن استفاده کنیم، نبود. اگر کسی خرج ما را

می‌داد من دیگه کار نمی‌کردم بنظرم اکثر کسانی که کار می‌کنند به خاطر پول و نیاز هست. شاید عده‌ای هم باشند که برای تفریح کار می‌کنند؛ اما خیلی کم اند چون من چند سال است که دارم کار می‌کنم و می‌دانم اکثراً به خاطر نیاز هست که کار می‌کنند».

در سخنان بالا هم محمد علی و هم احمد هر دو از اوضاع نامناسب اقتصادی و تجارب زیسته خود گفتند هر دو اظهار کردند که شروع کار در خیابان دقیقاً مصادف است با فوت سرپرست خانواده، از کارافتادگی و عواملی که باعث ریزش درآمدی خانواده شده بود. مشارکت‌کننده‌ای به نام امید می‌گوید:

«پدرم نه تنها کار نمی‌کند، معتاد هم هست و هر چند هفته یک بار فقط تماس می‌گیرد و خود ما از آن خبر نداریم که کجا میره و کجا می‌خوابه و چی می‌خوره؛ اما می‌دونیم که توی خیابان‌ها یا پیش دوستان معتادش هست چون دیگه جایی نداره که بخواد به آنجا برود. کجا برای ما پول آورده کی به فکر ما بوده اگر به فکر ما بود لااقل می‌آمد و کار می‌کرد نه اینکه معتاد شود. بعضی وقتا هم با اینکه چیزی نمیاره از خانه چیزی میبره و می‌فروشه تا پول مواد را جور کنه. پول نمیاره هیچ پول هم حرام می‌کنه».

علی از مشکلات و چالش‌هایی که با آن روبرو بوده، می‌گوید:

«ما اجاره می‌دهیم و خونه مال ما نیست پدرم هم آزاده و نقاش ساختمان هست. خرج خانه را نمی‌تواند بدهد هم باید خرج خانه را بدهد هم پول اجاره را. هیچ بیمه و حقوق و چیزی نداره. من وقتی دیدم پدرم داره کار می‌کنه اما نمی‌تونه خرج خونه را بده تصمیم گرفتم خودم هم کار کنم تا حداقل کمک خرج باشم آدماس فروختم، اسفند دود کردم هر چی بود انجام دادم چون دیگه فرقی نداره که من دارم چکار می‌کنم چون صاحبخانه پولش را می‌خواست و باید بهش پول می‌دادیم».

مقوله اصلی دوم: بستر فرهنگی خانواده کودک

مقوله اصلی دوم، به بعد فرهنگی خانواده اشاره دارد. تقریباً اکثر مشارکت‌کنندگان از سطح تحصیلات پایین خانواده‌ها، عدم توجه به نیازهای عاطفی کودکان، تنبیه کودکان توسط والدین، عدم اطلاع از کار کودکان، روابط مشاجره‌ای درون خانوادگی و همچنین در مواردی تشویق و ترغیب کودکان به کار در خیابان سخن گفته‌اند. محمد علی در این باره می‌گوید:

«من وقتی کار کردم اول کسی از خانواده‌ام خبر نداشت بعد کم کم متوجه شدند؛ ولی آنها کاری به من ندارند حتی الآن هم که از روی اجبار کار می‌کنم چون میدونند نیازه، کاری به من ندارند چون خودشون می‌بینند که اوضاع ما چجوریه. اصلاً پدر مادرم زیاد به اینکه من برم بیرون و چکار کنم اهمیت نمی‌دهند اینقدر گرفتار مشکلات هستند که خبری نمی‌گیرند از

من. ولی با این حال من وقتی کار کردم اول سعی کردم که کسی متوجه نشه الان هم که متوجه شدند کاری ندارند».

علاوه بر ضعف مدیریتی خانواده برخی مشارکت کنندگان از وجود خرده فرهنگ کار در خانواده، و تشویق خانواده به کار کردن خود می‌گویند در همین راستا جواد از تجارب خود می‌گوید:

«من اولین بار از طریق دایی‌ام با کار آشنا شدم. دایی من توی پارک یخ‌مک می‌فروشد چند بار به من گفت بیا با من کار کن. اگر خوب یاد گرفتی دیگه برای خودت کار کن من هم رفتم اولین بار باهاش کار کردم و خوشم آمد؛ مادرم هم در جریان بود و بهم میگه برو کار کن. منم فکر کردم دیدم هم مادرم میگه برای تفریح هم دایی‌ام میگه برای کار و پول و دیگه رفتم».

در مصادیق ذکر شده بالا کاملاً روشن هست که وجود خرده فرهنگ کار و ورود به بازار کار از طریق اقوام از یک سو و از سوی دیگر نقش والدین در ترغیب به کار تأییدی بر کار کودک از طریق خانواده و اقوام است. خانواده‌ها یا نسبت به کار کودک آگاهی ندارند؛ یا اگر دارند بی-تفاوتی نشان می‌دهند یا در بدترین حالت، کودک را وادار به کار کردن می‌کنند. برخی مشارکت کنندگان حکایت‌هایی را از بی‌توجهی والدین به نیازهای عاطفی خود و خشونت خانوادگی بیان کردند. برای مثال رضا می‌گوید:

«پدرم هرچند روز یک بار منو کتک می‌زند؛ ولی، من با اینکه دلم به حال خانواده‌ام می‌سوزد و همه کار می‌کنم؛ اما پدرم هیچ توجهی به من نمیکنه. تا حالا یک بار یادم نمی‌آید که پدرم با من خوب حرف بزند یا منو پارکی جایی ببرد حالا شاید بی‌توجهی را فراموش کنم؛ اما هر چند روز یک بار منو کتک می‌زند را فراموش نمیکنم».

بی‌توجهی به نیازهای کودک و در بدترین حالت خشونت خانوادگی، به مرور زمان باعث گسست پیوندهای عاطفی درون خانودگی می‌شود. رسول درباره رفتار و خشونت خانوادگی که تجربه کرده؛ می‌گوید:

«پدرم بی‌کار است و خیلی عصبی و نمی‌شود با او حرف زد. پول ندارد اگر هم داشته باشد؛ نمی‌دهد، برای او فرق نداره که ما پول داریم یا نداریم نه پول می‌دهد و نه اخلاق خوبی دارد همیشه فریاد میزنه اگر چیزی بگیریم کتک میزنه. اینم بگم دیگه برای ما عادی شده این اخلاق و داد و فریاد. نه به من رحم میکنه نه به مادرم. هر روز هم بحث داریم. انگار نه انگار که ما یک خانواده‌ایم».

مقوله اصلی سوم: عوامل تسهیل کننده کار کودک در خیابان:

مقوله اصلی سوم، «عوامل تسهیل کننده کار کودک در خیابان» است که خود از دو خرده مقوله «فضای اغوای محیطی» و «نارسائی عملکردی نهادهای متولی» بدست آمد. علی یکی از مشارکت کنندگان که در منطقه کوی علوی اهواز، سکونت دارد؛ درباره تأثیرات وضعیت منطقه سخن گفت:

«اینجا نمی‌شود کار کرد چون اهالی منطقه به ما کمک نمی‌کنند اکثر کودکان این منطقه در مناطق دیگر کار می‌کنند؛ چون، مناطق دیگر بیشتر پول می‌دهند؛ اما فایده این منطقه اینه که ما اینجا دوستان و هم محله‌هایی داریم که قبلاً کار کردند و آنها گفتند اینجا برای کار کردن خوب نیست و مناطق دیگه برید و درست هم گفتند چون خودشون قبلاً اینجا کار کردن و دیدند که اینجا نمی‌شود. اینجا فقط برای این خوبه که دوستان کمک کنند که کار پیداکنیم.»

مشارکت کننده دیگری به نام رضا می‌گوید:

«اکثر دوستان من کار می‌کنند بعضی‌ها توی ضایعات، بعضی آدامس فروشی و دستمال کاغذی. من هم اتفاقی چون هم محله‌مان بودند با آنها آشنا شدم. منطقه ما حصیرآباد. الان شما ببینید اونایی که توی کوت عبدالله یا شلنگ آباد یا حصیرآباد هستند اینا خوب کار کردن بلدند چون اونجا قبل از اونها کسانی بودند که کار کرده بودند. خب اینها هم کم کم از محله و منطقه یاد می‌گیرن دیگه.»

تأثیرپذیری کودکان از وضعیت منطقه و محله در دو نکته ابراز شده است. اول، اینکه مناطق حاشیه نشین یا جرم خیز یا مناطق بافت فرسوده، دارای کودکانی هست که تجربه کار کردن در خیابان را دارند و همانطور که بیان شد زندگی در این مناطق بر روی کودکان اثرگذار بوده است. نکته دوم، در مورد علت انتخاب محل حضور کودکان برای کار است، معمولاً کودکان مناطق با سطح برخورداری بالا و متوسط رو به بالا را برای کار خود انتخاب می‌کنند که این مسئله نیز هم به ناشناخته ماندن کودکان و هم نیاز و توجه مردم منطقه و خودروها به خدمات و کار آنها است که در مناطق حاشیه چنین امکانی برای آنها وجود ندارد.

با توجه مشاهدات و مصاحبه‌ها می‌توان چنین استنتاج نمود که در درجه اول، کودکان سعی می‌کنند در مناطقی که آشنا وجود نداشته باشد؛ کار کنند تا در مواجهه با آشنایان دچار ضعف یا خجالت نشوند. دوم، آنکه کودکان مناطقی را برای کار کردن انتخاب کردند که اساساً این پدیده کار کودک در آن منطقه به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح باشد برای همین است

که برای کار کردن مناطقی مانند کوت عبدالله و کوی علوی را مناسب نمی‌دانند؛ زیرا در مناطقی که وضع بحرانی‌تر است مردم انگیزه بیشتری برای کمک به آنان دارند.

علاوه بر بیان مصادیق فوق، نارسائی عملکردی نهادهای متولی در تسهیل کار کودکان، قابل تأمل است. نهادهای متولی قبل از هرچیز باید نظر این کودکان را به خود جلب کنند تا امکان ارتباط با آنها فراهم باشد اعتماد، شرط ارتباط است. یکی از مشارکت‌کنندگان به نام محمد می‌گوید:

«توی خیابان که کار می‌کنم. اکثر بچه‌ها به جای اینکه حواسشان به کار باشد به ماموران هست چون هر چند مدت طرحی میاد و میخوان بچه‌ها رو جمع کنند که دیگه کار نکنند؛ اما مگه میشه ما کار نکنیم اگر کار نکنیم پس چی بپوشیم چی بخوریم. آخرش چی شد؛ ما کار را ول کردیم نه ول نکردیم چون نیاز داریم اگر واقعاً کسی به فکر بچه‌ها هست بیاد کمک کند نه جمع کند».

تجارب مشارکت‌کنندگان در همین رابطه از رویکرد سلبی نهادهای متولی حکایت دارد. از نظر مشارکت‌کنندگان، نهادهای متولی فقط درباره کار نکردن اقدام می‌کنند و از وجه ایجابی و پیشنهادی اقدامی به عمل نمی‌آورند.

مقوله اصلی چهارم: راهبرد تحمیلی کار به کودک و پیامدهای آن

مقوله اصلی چهارم، تحت عنوان «راهبرد تحمیلی کار به کودک و پیامدهای آن» است. این مقوله اصلی خود از چند خرده مقوله «تکیه اقتصادی خانواده به کودک»، «عقب‌ماندگی تحصیلی»، «تبعات جانی و مالی کار در خیابان» و «تنش‌های امنیتی» حاصل شد. تقریباً اکثر مشارکت‌کنندگان در برابر وضعیت اقتصادی نامناسب که در مقوله اصلی اول، شرح داده شد، واکنش نشان دادند. کودکان با توجه به ضعف بنیه اقتصادی و عدم تمکن مالی، واکنشی از خود نشان دادند که ما تحت عنوان خرده مقوله «تکیه اقتصادی خانواده به کودک» مطرح می‌کنیم. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان به نام علی می‌گوید:

«پدرم خودش به من می‌گوید من دیگه نمی‌تونم کار کنم تو به فکر برادرت و مادرت باش من دیگه مریض شدم تو خرج خانه را بده، کار کن و برای خانواده خرج کن. اگر تو هم کار نکنی پس چجوری زندگی کنیم تو به فکر باش».

روشن است که خانواده از نظر مالی به کودک خود وابسته است و کودک تحت شرایط جبری و برای کمک به خانواده، این راهبرد تحمیلی را می‌پذیرد. احمد کودک دیگری است که پدرش فوت کرده و منبع درآمدی و حقوق ثابتی و بیمه‌ای از پدرش به ارث ندارد. او بدون هیچ

پشتوانه‌ای باید از پس مخارج خود و مادر و دو برادر و یک خواهرش بربیاید. وی در این باره می‌گوید:

«پدرم که فوت کرد (باحالت گریه) من چه بخواهم چه نخواهم باید کار می‌کردم و کار کردم اگر کار نمی‌کردم چجوری زندگی می‌کردیم من نمی‌خواهم خواهرم و حتی برادرم دیگه کار کنند و تا الآن هم هیچ وقت اجازه ندادم که حتی به کار کردن هم فکر کنند چه برسد به اینکه کار کنند و خودم فقط کار می‌کنم و خرج خانواده‌ام را می‌دهم. یکی از فامیل‌های ما که نجار است به من گفت بیا با من کار کن؛ اما من نرفتم چون پول خوبی به من نمیده. کاری که من می‌کنم باید خرج خانواده را بدهم نجاری پول خوبی نمی‌داد و نرفتم و کار خودم را ادامه دادم که گل فروشی هست و بد نیست بهتر از هیچی است».

مشارکت‌کننده دیگری به نام سجاد می‌گوید:

«من از زمانی که کار کردم خیلی چیزها یاد گرفتم مثلاً کولر را خودم تعمیرش کردم پدرم هفتاد سالشه دیگه نمیکشه کار کنه. خودش هم میدونه من از کوچکترین چیزها مثلاً نان و لباس تا حتی وسایل از خودم خرج خانواده را می‌دهم. همه کار هم کردم آدامس فروش، گل فروشی، اسفند دود کردن هر چی. خدارو شکر مادرم هم از من راضی هست».

اما عواقب و پیامدهای کار کودکان نیز قابل تأمل است. برای مثال رسول می‌گوید:

«برای من دو اتفاق افتاد یک بار یکی یک بسته‌ای بهم داد گفت برو این بسته را ببر تا آن سر خیابان و بهت پول بدم؛ اما من انجام ندادم چون خیلی وقتاً برای دوستانم پیش اومده که مواد بوده و بعد که پلیس اینها را گرفته تازه بچه‌ها فهمیدن که مواد بوده؛ اما پلیس چون اون افراد رو نمی‌شناسه و نگرفته و مواد را دست دوستانم دیده دیگه دوستانم را گرفتند. یه بار هم یکی به من سیگار تعارف کرد که نگرفتم».

مشارکت‌کننده دیگری به نام سعید از وجود بیماری‌های پوستی و تنفسی می‌گوید: «من کارم اسفند دود کردن هست و وقتی بر می‌گردم خونه پوستم خارش می‌گیره و شبا هم انگار نفسم بالا نیامد؛ ولی بقیه دوستانم اینجور نمیشن فقط اونایی که کارشون اسفند دود کردن هست اینجوری میشن».

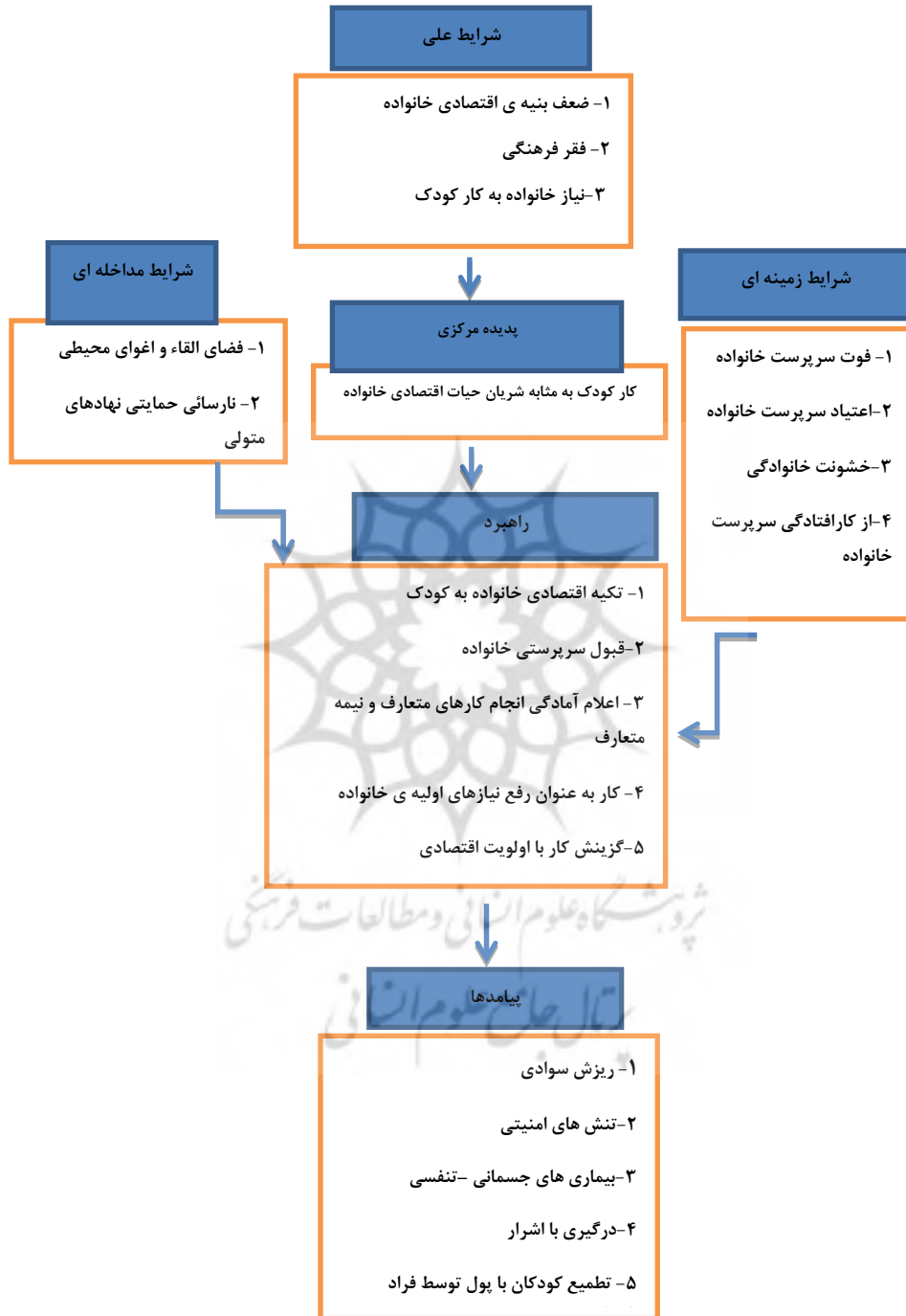
از آنجا که کودکان به دلیل شرایط خاص جسمی‌شان آسیب‌پذیر هستند؛ یا خود قربانی می‌شود و یا به دیگران آسیب می‌رسانند. سوء استفاده از کودکان و کودک را به مثابه ابزاری برای پیشبرد اهداف خود دانستن، یکی از برنامه‌های افراد خاطی است. برخی از مشارکت‌کنندگان هم با ماموران شهرداری و بهزیستی دچار تنش‌هایی شده‌اند مصطفی می‌گوید:

«در خیابان ما نمی‌دونیم حواسمان به افراد ناشناس باشه یا به مأموران. چون مأموران هم بعضی وقتا می‌آیند و با بچه‌ها درگیر می‌شوند؛ بعضی از بچه‌ها فرار می‌کنند بعضی‌ها هم دعوا می‌کنند».

مدل پارادایمی: کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده

مدل پارادایمی تحقیق نشان می‌دهد که پدیده مرکزی «کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده» می‌باشد. آنچه که از مصاحبه‌ها و مشارکت‌کنندگان به عنوان نقطه آغاز و حرکت کار کودکان در خیابان مطرح بود این است که وضعیت خانواده از نظر اقتصادی به دلیل عدم دسترسی به بیمه و حداقل‌های امتیازات اقتصادی جهت گذراندن زندگی از یک سو و از کار افتادگی یا فوت سرپرست خانواده یا اعتیاد از سوی دیگر، شرایط زیست و زندگی خانواده را بحرانی‌تر کرده و خانواده توانایی انطباق خود با شرایط موجود را از دست می‌دهد. در این میان وجود خرده فرهنگ کار در خانواده و بی‌تفاوتی والدین نسبت به کار کودک و در برخی موارد تشویق کودک به کار و فضای اغواکننده‌ای که والدین یا دوستان بوجود می‌آورند در مجموع کودک را در یک شرایط پرچالش قرار می‌دهد و او را به سوی فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه سوق می‌دهد. فردی که وارد این گردونه می‌شود با پیامدهای متعددی از جمله عقب افتادگی تحصیلی تا درگیری با اشرار و تنش‌های امنیتی و بیماری‌های جسمانی تنفسی و ناامنی‌های جانی و مالی مواجه خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مدل پارادایمی کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده

۵. بحث و نتیجه‌گیری

براساس مدل پارادایمی پژوهش، مقوله هسته تحقیق، "کار کودک به مثابه حیات اقتصادی خانواده" می‌باشد. کودک در خیابان به دنبال رفع نیازهایی است که خانواده توانایی پاسخگویی به آنها را ندارد. داده‌های این پژوهش نشان داد که وضعیت اقتصادی و معیشتی والدین کودکان کار خیابانی در سطح بسیار نامطلوبی است. تقریباً تمام مشارکت کنندگان از عدم دسترسی به بیمه، حقوق و سایر امتیازات اقتصادی و از اعتیاد، بیکاری، فوت و از کارافتادگی ناگهانی سرپرست خانواده که آنها را با بحران مواجهه ساخته است، سخن گفته‌اند.

کودکان به دلیل عدم پشتوانه قوی اقتصادی تصمیم به کارکردن می‌گیرند. در واقع تحت فشار وابستگی شدید خانواده به کودک، ناچار به انتخاب یک راهبرد تحمیلی می‌شود. اولویت او نه نوع کار، بلکه میزان دستمزدی است که بدست می‌آورند.

اما این که والدین کار کودکان خود را چگونه تفسیر می‌کنند؛ ظاهراً از نظر خانواده کار فرزندان و تأمین هزینه‌های خانواده به منزله بزرگ شدن و مرد شدن است. به نظر می‌رسد، تحصیلات بسیار اندک والدین و وجود خرده فرهنگ کار در خانواده، باعث شکل گرفتن چنین تفاسیری می‌شود.

با توجه به داده‌ها و نتایج این تحقیق، می‌توان بیان کرد که ساختار اجتماعی و فرهنگی حاکم بر شهر اهواز و همچنین ساختار محله‌ها و سکونتگاه‌ها مهمترین عوامل تولید و باز تولید کار کار خیابانی در شهر اهواز هستند، شهر اهواز پس از شهر مشهد دارای بیشترین مناطق حاشیه‌نشین و کم برخوردار است و دارای بیش از ۱۰ محله با این خصوصیات در شهر اهواز وجود دارد، عدم برخورداری اقتصادی ساکنان این محلات و همچنین سبک زندگی و فرهنگ حاکم بر این محلات به عنوان شرایط علی و زمینه‌ای برای شکل‌گیری فرایند کودکان خیابانی در شهر اهواز هستند، علاوه بر این موارد کمکی که این کودکان به اقتصاد خانواده از این طریق می‌کنند باز به عنوان عامل دیگر در چرخه باز تولید این پدیده، وارد می‌شود و آن را تقویت می‌کند که در واقع این مسئله به عنوان پدیده مرکزی در این مدل خود را نمایان کرده است. بنابراین، شرایط حاکم بر شیوه سکونت در شهر، ساختار محله‌ها، شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های مناطق حاشیه‌نشین، بالا بودن تعداد اعضای خانوار، بیکاری سرپرست، اعتیاد سرپرست و یا نبود سرپرست همه و همه، دست به دست هم داده‌اند تا کودکان را علی‌رغم بدی و گرمای طاقت فرسای هوا در شهر اهواز به خیابان‌ها و چهارراه‌ها بکشد و آنها را مجبور به کار کند.

در رابطه با سؤال آخر و پیامدهای کارخیابانی می‌توان از آثاری مانند عقب‌افتادگی تحصیلی، ترک تحصیل، بیماری‌های جسمانی و تنفسی، درگیری با اشرار، سوء استفاده از کودکان کار خیابانی جهت انتقال اشیاء و مواد و گاهی دستگیری توسط نیروهای پلیس یاد کرد. به این ترتیب، یا کودکان خود قربانی می‌شوند و یا جامعه را به تباهی می‌کشد. نتایج این پژوهش با یافته‌های شاه‌آبادی (۱۳۸۸) که بر نقش خانواده نابسامان، فقر اقتصادی، همچنین عدم سازگاری سرپرست با نقش سرپرستی به دلیل اعتیاد تأکید دارد و با یافته‌های امیری (۱۳۹۵) در خصوص نقش شبکه دوستان و شرایط اقتصادی خانواده‌ها و وجود خرده فرهنگ کار همساز است. سازمان جهانی کار^۱ (۱۹۹۶)؛ پلامر^۲ (۲۰۰۷)، دی بار خاتوف^۳ (۲۰۰۱)؛ هم به این نتیجه رسیده‌اند که بین کار کودکان از یک سو و از سوی دیگر محل سکونت، شرایط مسکن و فقر و بی‌سوادی و مرگ والدین یا غیبت دائم پدر و شغل پدر ارتباط معناداری وجود دارد.

منابع

- آقاپورفرکوش، مجید؛ نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش (۱۳۹۴). (ارائه مدل تبیین جامعه-شناختی کودکان خیابانی شهر تهران ۱۳۹۴)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۳، بهار ۹۷.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشرنی، چاپ پنجم.
- امیری، انسیه (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی تجربه زیسته کودکان کار خیابانی افغان در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- ایمان‌زاده، علی و علیپور، سربه (۱۳۹۸). تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی، مطالعه به روش پدیدار شناختی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۲: ۲۷۹-۳۰۴.

1. ILO.

2. Rumer.

3. DBarkhatov.

حزباوی، عزیز و ملتفت، حسین (۱۳۹۶). بررسی ویژگی‌ها و زمینه‌های اجتماعی اقتصادی پدیده کودکان خیابانی و کار در شهر اهواز، طرح پژوهشی، اداره کل تعاون، رفاه و کار اجتماعی استان خوزستان.

حسینی، سید حسن (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۹: ۱۵۵-۱۷۴.

حسینی، سید حسن (۱۳۸۵). مجموعه تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران، کودکان کار و خیابان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه تهران، نشر سلمان.

زارع شاه آبادی، اکبر؛ حاجی زاده میمندی، مسعود و اکبری قورتانی، صدیقه، (۱۳۸۸). نقشی خانواده نابسامان بر پدیده‌ی کودکان کار (مطالعه مورد: استان یزد). فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم: ۲۹-۵۲.

زند رضوی، سیامک و رحیمی پور انارکی، ناهید (۱۳۹۱). عنوان جامعه شناسی و کار کودکان. تهران: نشر قطره.

سیف، سوسن (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده، تهران: دانشگاه الزهراء.

شالچی، وحید و میرزابابایی، سیما (۱۳۹۴). تجربه کودکان خیابان شهر تهران از مداخلات سازمان‌های رفاهی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۵: ۱۹۴-۲۲۶.

فولادیان، مجید؛ طوسی فر، جمال؛ وزیری، سید حسین (۱۳۹۵). روایت پژوهشی کودک کار شدن در شهر مشهد، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.

قاسمی، افسانه؛ روشنفکر، پیام؛ محرابی، آرزو؛ فرجی، بردیا و وامقی، مروثه (۱۳۹۸). ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی کودکان خیابانی و عوامل مرتبط با خیابانی شدن آنها: مطالعه ارزیابی سریع وضعیت در کرمانشاه، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۱۸: ۸۷-۱۱۴.

کلانتری، صمد و کیانی، مژده (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه با تکیه بر شاخص توسعه انسانی، ماهانه سیاسی-اقتصادی شماره ۲۳۲-۲۹۵: ۲۳۱.

محمدی، خلیل (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه علمی تخصصی انتظامی پایتخت. سال (۸)، شماره ۳، شماره پیاپی (۲۶): ۵۷-۷۷.

مقدس جعفری، محمد حسین؛ ویسی نژاد، نور محمد و درستی، امیر علی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار - مطالعه موردی شهر اهواز - فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱): ۷۲-۵۵.

وامقی، مروّنه؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن و روشنفکر، پیام (۱۳۹۴). ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره: ۴، شماره ۱: ۵۷-۳۳.

Brukhavo & Barkhatov (2001) "Street Children in Mosco" www.ILO.org.

Eriksen, Sissel H. Mulugeta, Emebet (2016). Social Networks for Survival among Working Children in Addis Baba. *Childhood*, 2016 Vo1. 23 (2). page(s): 178-191.

I. L. O (1996). "Children at Work: How Many and Where?" *World of Work: The Magazine of the International Labour Review*, No 15.

Naz. Arab, Khan. Humayun, khan, Tarig. Khan, Qaisar & Khan. Waseem. (2019). Social and Culturall Determinants of Child Labour in Pakistan. *Clinical Social work and Health Intervention*. 10(2): 80-92.

Plummer, Mary I. kudrati, Mustafa. Dafalla ei hag, yusif, nassrin (2007). *Beginning Street Life: Factors Contributing to Children Working and Living on the Streets of Khartoum*, Dudan. *Children and Youth Services Review* 29 (2007), 1520-1536.

